

## قافله بر گشت و خر لنگ اول شد ضرورت به اشخاص مسلکی و ملی

یکی از دلایل موفقیت کشور چین در پیشرفت های چشمگیر آن اداره آن کشور توسط انجنیر ها می باشد. اعضای کمیته مرکزی چین تماماً انجنیر می باشند. یکوقت چین هم در جمله کشور های "در حال رشد" به حساب می رفت ولی امروز این کشور به حدی پیشرفته است که اقتصاد تمامی قدرت های اقتصادی به شمول امریکا زیر تاثیر اقتصاد چین است. چین نه تنها توانسته است که زیر بنا های اقتصادی خود را به مدرن ترین شکل توسعه بخشد بلکه تولیدات آن در بازار های جهانی سهم مارکیت را از بسیار رقبای آن گرفته است. البته فراموش نباید کرد که احساس غرور و همپارچگی ملی و عرق ریزی و پشتکار قوی مردم آن هم از عوامل اساسی این رشد و تبارز حیرت انگیز آن در صحنه جهانی بوده است.

کشوری که چند دهه قبل از نگاه صنعتی در حالت بسیار ابتدائی به سر می برد چگونه توانست در خود تحولی ایجاد کند؟ اگر افغان ها می خواهند درس هائی از این شاهکار اقتصادی عصر ما بیاموزند خوب است متوجه شکل اداره و سازمان دهی اقتصادی کشور چین شوند.

مشکلات عقب ماندگی کشور افغانستان و حالت اسفناک زیر بنا های اقتصادی آن بیداد می کند. در حالیکه سیاست مداران جناح دار در گریو دار جنگ های گروهی و آله دست شدن کشور های خارجی هستند، سر کلاه از دست این "رهبران" بی عرضه یا قصداً و یا به خاطر اینکه ظرفیت اداره سالم را ندارند، کاملاً گم شده است. چگونه می توان از این حالت سکون اقتصادی و غیر مثمر سیاسی برون آمد؟ باید تمام رهبری کشور را از دست یک مشت آدم های بی سواد و غیر حرفه ای گرفت و اداره کشور را به دست افراد مجرب مسلکی و ملی داد که به غیر از آبادی و عمران کشور و ارتقای سطح زندگی مردم آن دیگر هیچگونه مرام شخصی و یا وابستگی خارجی ندارند.

مشکل اداره فعلی افغانستان نه تنها درین است که اشخاص چیز فهم و مسلکی آنرا اداره نمی کنند بلکه از روی مصلحت های گروهی و قومی اکثر وزارت ها و پست های مهم دولتی به دست کسانی سپرده شده که منافع گروهی شان کاملاً ضد و نقیض یکدیگر هستند و در عمل کار های یکدیگر را خنثی می کنند. مگر ازینگونه اداره فاسد هم می شود توقع پیشرفت کشور را داشت؟ وقتی به خیر ها و جریانات جلسه وزرا و یا سخنرانی بعضی از این وزرا نگاه می کنید به فکر انسان خطور می کند که وای به حال کشور ما که توسط این گونه اشخاص بی اهل اداره می شود. مگر قحطی اشخاص مسلکی و مجرب در کشور ما است که شخصی مثل اسمعیل خان باید در راس یکی از مهم ترین وزارت ها در کشور باشد؟

به نظر من تمام صحبت ها در باره پیمان ستراتیژیک و انتخابات و غیره و غیره اصلاً بی فایده اند چرا تا هنگامیکه اداره کشور به دست اشخاص صادق مسلکی سپرده نشود، نباید توقع داشت که حالت این کشور بهتر شود. تا زمانیکه اشخاص نا فهم و دزد مشرب اداره امور را در دست دارند و تصمیم های شان صرف به خاطر انگیزه های شخصی و یا پیشبرد منافع کشور های مداخله گر خارجی انجام می شود، باید فقط ادامه حالت نابسامان فعلی را توقع کرد.

فکر کنید که افغانستان چه منابع سرشار انسانی و معدنی و آبی است که ندارد؟ با اداره و انسجام دهی صحیح باید که توقع داشت در یکی دو دهه دیگر افغانستان بتواند رشد سرسام آور داشته باشد و زندگی مردم ما ازین حالت بخور و نمیر اقلاً از مردم ایران و پاکستان بهتر شود. ولی به خاطر بعضی زد و بند ها آب افغانستان مفت در جیب ایرانی ها و پاکستانی ها می رود و منابع سرشار معدنی آن بی فایده می ماند. گرچه در قسمت استخراج بعضی معادن قرار داد هائی با ممالک خارجی صورت گرفته است ولی هیچگونه تضمینی وجود ندارد که این پروژه ها تکمیل شوند و مردم از آن بهره ببرند.

به هدر رفتن کمک های اقتصادی ممالک خارجی در ده سال گذشته بیشتر به خاطر این بوده است که در قرار داد های پروژه ها انگیزه عمده فائده شخصی دولتمردان افغانستان و سود بی حد قراردادی ها بوده است و دیده شده که این پروژه ها به قیمت بسیار گزاف ولی کیفیت بسیار خراب تکمیل گردیده و یا بعد از پرداخت مبالغ زیاد به شکل

نیمکاره رها گردیده اند. در چنانچه اداره فعلی کشور دیگر چیزی نمانده که حکایه از برنامه ریزی اقتصادی باشد که از منابع افغانستان به طور شاید و باید آنگونه که منافع اکثریت مردم در آن نهفته باشد، استفاده نماید.

چون آب از سرچشمه خت و یا گل آلود است، این طرز دید دولتمردان به تمام ادارات و کارکنان و دیگر مردم هم سرایت کرده و حالتی به وجود آمده که اکثراً فقط نفع شخصی زود هنگام را شعار خود ساخته اند. مگر با این نوع طرز عمل دزد مانند یک کشور می تواند به پیشرفت نائل آید؟ بعضی از رهبران فعلی در کشور فقط به خاطر این زمام را به دست گرفتند که شباهت به آن ضرب المثل دارد که: قافله برگشت و خر لنگ اول شد. آنها بیشتر ازین کدام ظرفیتی نه از نگاه اداری و نه از نگاه مسلکی دارند و متأسفانه در دوران مقابله با اشغال اتحاد شوروی اکثر رهبران جهادی پول گیری و پیشبرد منافع کشور های همسایه را بیشتر از هر مرام دیگر ارزش می دادند و با آمدن امریکا در سال ۲۰۰۱ هم خوب میدانستند چگونه به آن کار های سابق ادامه دهند.

در جهان سیاست که دنیای نسبتاً متفاوتی از کار مسلکی است به مشکل می شود طرح برای تغییر یک کشور را مانند اعمار یک تعمیر ریخت و یا از یک شخص مسلکی توقع داشت در باره نظام سیاسی آینده واقع بینانه اظهار نظر کند ولی تا زمانیکه این هرج و مرج اداری قطع نشود و کشور تحت یک مدیریت سالم و صادق و مسلکی قرار نگیرد باز هم همان آش است و همان کاسه.

اگر به سابقه افغانستان و دورانی که در آن در اعمار زیر بنا های اقتصادی و پیشرفت معارف و احقاق حقوق زنان و غیره پیشرفت هائی بوده است فکر کنیم، در می یابیم که در آن وقت ها هرج و مرج های سیاسی موجود نبود و امور مهم دولتی در رشته های کلیدی توسط اشخاص مسلکی اداره می شد. آرزوی این اشخاص بیشتر خدمت به کشور خود بدون کدام وابستگی به کشور خارجی بود. از عرق ریزی و زحمات این اشخاص نتایج کار های شان را در رشته های معارف، صنایع، بند و انحر، شبکه های برق، صحیه، پلان گذاری شهری، پولیس، عسکری و غیره را، با وجود محدودیت های اقتصادی، شاهد بودیم. البته قابل یاد آوری است که شوروی سابق مخالف سر سخت استخراج نفت در کشور و رهائی افغانستان از وابستگی اقتصادی و نظامی به آن کشور بود و همین اصرار افغانستان به استقلال اقتصادی آن بود که باعث سقوط نظام کشور توسط گماشتگان شوروی شد که کشور را به میدان جنگ میان ابر قدرت ها تبدیل کردند که به تباهی و خرابی کشور و به وجود آمدن حالت فعلی انجامید.

برای یک افغان بسیار درد آور است که با درک ظرفیت انسانی مردم افغانستان و ذکاوت و هشیاری نسل جوان و شناخت منابع سرشار معدنی و آبی کشور ببیند که همه آن ضایع میشود و کشور از آن هیچگونه نفع قابل توجهی نمی برد. خوب است دولتمردان و اهل خیره خود را تکانی بدهند و تا دیر نشده و کشور بیش ازین پارچه پارچه نشده، اداره کشور را به اشخاص صادق و با کفایت مسلکی و ملی بسپارند و وطن را ازین ورطه نابسامان نجات بدهند.

### سرشک از دیده پاک کردن چه حاصل؟      [علاجی کن کز دلم خون نیاید](#)

نوت: جای تعجب است که برای آبادی مراکز مذهبی و رشد پوهنتون های دینی در افغانستان کدام کمبود مالی وجود ندارد. از خود سؤال باید کرد که چه اشخاص و گروه هائی از این مراکز استفاده می کنند و نفع می برند؟ خداوند متعال در همه جا حاضر است و برای عبادت کدام محدودیت مکانی وجود ندارد. در کشوری که فقدان های اساسی در معارف و صحت عامه و غیره رشته های حیاتی وجود دارد، مصارف گزاف در رشته مذهبی اصلاً دردی را در آن کشور دوا نمی کند.

پایان